

Jurisprudential review of income smoothing

Nasrullah Khalili Tirtashi 

Assistant Professor, Department of Economics, Naraq Branch, Islamic Azad University, Naraq, Iran.
Email: khalili631342@gmail.com



Use your device to scan
and read the article online

Citation Nasrullah Khalili Tirtashi. [Jurisprudential review of income smoothing (Persian)]. *EGHTESAD-E ISLAMI (A Quarterly Journal on Islamic Economics)*. 2025; 24 (96): 31-62

 [10.22034/iejc.2024.2019575.2702](https://doi.org/10.22034/iejc.2024.2019575.2702)

Received: 20 April 2024 , Accepted: 08 November 2024

Abstract

One of the issues of the capital market is income smoothing, which is frequently applied in public companies. By taking a series of decisions and interfering in the financial reporting process, managers reduce abnormal profit fluctuations in order to divert the reported profit from the real and functional profit in order to mislead some stakeholders. Their goal is to make the company stable and dynamic in the viewpoint of investors, capital markets and other stakeholders. The main motive of this action is the personal interests and the interests of the shareholders. The present article analyzes the different dimensions of this issue with the jurisprudential approach and the ijtihad method used in seminaries in order to derive its jurisprudential ruling. With this analysis, the answer to some jurisprudential issues surrounding it is given. Income smoothing, in addition to the temporary income and additional bonus that it has for managers or other stakeholders, imposes many costs on the people and the country's economy from the path of justice, efficiency and suboptimal allocation of scarce resources. And the real income smoothing, which is caused by the positive performance of managers, and the smoothing of natural income, which is caused by the smooth nature of economic activity, is lawful and permissible.

Keywords

income smoothing, jurisprudence, Islamic economy, Islamic accounting, stock exchange, financial reporting, capital market.



درآمدی بر بررسی فقهی هموارسازی سود

نصرالله خلیلی تیرتاشی ^{id}

استادیار گروه اقتصاد، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران.

Email: khalili631342@gmail.com



Citation Nasrullah Khalili Tirtashi. [Jurisprudential review of income smoothing (Persian)]. *EGHTESAD-E ISLAMI (A Quarterly Journal on Islamic Economics)*. 2025; 24 (96): 31-62

doi [10.22034/iee.2024.2019575.2702](https://doi.org/10.22034/iee.2024.2019575.2702)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۸

چکیده

یکی از مسائل بازار سرمایه هموارسازی سود است که به تواتر در شرکت‌های سهامی عام اعمال می‌شود. مدیران با به‌کارگیری مجموعه‌ای از تصمیمات و دخالت در فرایند گزارشگری مالی از نوسانات غیرعادی سود به منظور منحرف کردن سود گزارش شده از سود واقعی و عملکردی به قصد گمراه نمودن برخی از ذینفعان می‌کاهند. هدفشان این است که شرکت را در نظر سرمایه‌گذاران، بازار سرمایه و سایر ذینفعان با ثبات و پویا نشان دهند. انگیزه اصلی از این اقدام منافع شخصی و منافع سهامداران می‌باشد. مقاله حاضر با رویکرد فقهی و روش اجتهادی مصطلح در حوزه‌های علمیه به تحلیل ابعاد مختلف این مسئله به منظور استنباط حکم فقهی آن می‌پردازد. با این تحلیل جواب بعضی از مسائل فقهی درباره آن داده می‌شود. هموارسازی سود در کنار درآمد موقتی و پاداش اضافی که برای مدیران یا سایر ذینفعان دارد، هزینه‌های متعددی را بر مردم و اقتصاد کشور از مسیر عدالت، کارایی و تخصیص غیربینه منابع کمیاب تحمیل می‌کند. مقاله در بررسی فقهی خود به این نتیجه رسید که هموارسازی سود مصنوعی که ناشی از دستکاری صورت‌های مالی است، هیچ جایگاهی در اقتصاد اسلامی ندارد و اسلام اجازه نمی‌دهد مدیران شرکت‌ها از این طریق، مالی را از توده مردم به خودشان یا بعضی از ذینفعان انتقال دهند و هموارسازی سود واقعی که ناشی از عملکرد مثبت مدیران و هموارسازی سود طبیعی که ناشی از ذات هموار فعالیت اقتصادی است، شرعاً بی‌اشکال و مجاز می‌باشد.

واژگان کلیدی

هموارسازی سود، فقه، اقتصاد اسلامی، حسابداری اسلامی، بورس، گزارشگری مالی، بازار سرمایه.



مقدمه

یکی از مسائل بازار سرمایه هموارسازی سود است که به تواتر در شرکت‌های سهامی عام اعمال می‌شود. مدیران با اتخاذ مجموعه‌ای از تصمیمات و دخالت در فرایند گزارشگری مالی از نوسانات غیرعادی سود به منظور منحرف کردن سود گزارش شده از سود واقعی می‌کاهند. هدف این است که شرکت را در نظر سرمایه‌گذاران، بازار سرمایه و سایر ذینفعان با ثبات و پویا نشان دهند. انگیزه اصلی از این اقدام منافع شخصی مدیران و منافع سهامداران است؛ زیرا سود حسابداری یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی عملکرد شرکت‌ها و تعیین ارزش آنها تلقی می‌گردد. سهامداران، سرمایه‌گذاران، کارگزاران بورس، تحلیلگران بازار سرمایه و حتی توده مردم از آن استفاده می‌کنند. سرمایه‌گذاران برای تصمیمات سرمایه‌گذاری خود بر اطلاعات مالی مندرج در صورت‌های مالی شرکت‌ها خصوصاً سود گزارش شده اتکا می‌کنند. از نظر آنها سود ثابت و پایدار در مقایسه با سود دارای نوسان، سود تقسیمی بالاتری را تضمین می‌کند. همچنین نوسان‌های سود، معیار مهم سنجش مخاطره کلی شرکتی قلمداد می‌شود و شرکت‌های دارای سود هموارتر دارای مخاطره کمتری هستند. چنین شرکت‌هایی بیشتر مورد علاقه سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرند (Tucker & Zarowin, 2006, p.268). معیار سرمایه‌گذاران و تحلیلگران مالی برای انتخاب سهام یک شرکت خاص، سود است. شرکت‌هایی که چشم‌انداز سود ضعیفی دارند، معمولاً نسبت به شرکت‌هایی که دورنمای خوبی دارند، قیمت سهام کمتری دارند. توانایی یک شرکت برای کسب سود در آینده، نقش مهمی در تعیین قیمت سهام دارد. از آنجایی که محاسبه سود شرکت‌ها متأثر از روش‌ها و برآوردهای حسابداری است، امکان دستکاری سود توسط مدیران وجود دارد. مهم‌ترین خروجی محاسبات حسابداری، گزارش‌های مالی است که مهم‌ترین هدف آن تهیه اطلاعات لازم برای ارزیابی عملکرد و توانایی سودآوری شرکت‌هاست. یکی از اقسام حسابداری که در گزارش‌های مالی

ارائه می‌شود، سود خالص است. معمولاً سود مبنایی برای محاسبه مالیات، عاملی برای تدوین سیاست‌های تقسیم سود و راهنمایی برای سرمایه‌گذاری و تصمیم‌گیری صحیح و بالاخره عاملی برای پیش‌بینی به حساب می‌آید. به دلیل اهمیت سود برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، مدیران سعی می‌کنند مبلغ و نحوه ارائه سود شرکت را بهبود بخشند. یکی از روش‌های بهبود ارائه سود، هموارسازی سود (Income Smoothing) است. مزایای هموارسازی سود سبب می‌شود برخی مدیران با روش‌های مختلفی اقدام به مخفی‌سازی و هموارسازی سود در دوره‌های مالی مختلف نمایند تا سود در راستای دلخواه آنها گزارش شود. هموارسازی سود ممکن است سود گزارش شده را به سطح سود هدف نزدیک کند (Wild & Bernstein, 2001, p.25).

رسوایی‌های حسابداری در چند دهه گذشته بیانگر رفتار فرصت‌طلبانه مدیران بعضی از شرکت‌ها در رابطه با سود بوده که سبب بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران به بازار سرمایه شده است. با عنایت به بستریایی چون تضاد منافع و عدم تقارن اطلاعاتی بین صاحبان سهام و مدیران، امکان تحریف و دستکاری اطلاعات توسط مدیران وجود دارد. به‌علاوه در عمل نیز تحریف‌ها و رسوایی‌های مالی زیادی در شرکت‌هایی نظیر انرون (Enron)، ورلدکام (Worldcom)، آدلفیا (Adelfia) و غیره اتفاق افتاد که منجر به ورشکستگی آنها شد. افزایش رسوایی‌های شرکت‌ها، نشان از گسترش سوءاستفاده و تقلب در میان مدیران دارد. حاجیها و سیری با بررسی و مقایسه دو گروه از شرکت‌ها، یکی ورشکسته شامل ۸۱ شرکت و دیگری غیر ورشکسته این نیز شامل ۸۱ شرکت هم‌صنعت و هم‌گروه از بین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۸۶ به این نتیجه رسیدند که رابطه‌ای بین ورشکستگی و هموارسازی واقعی و مصنوعی سود در سه سطح سود ناویژه، سود عملیاتی و سود خالص وجود دارد؛ از این رو می‌توان انتظار داشت که مدیران شرکت‌های سهامی در ایران مانند برخی دیگر از

کشورها برای حفظ خود در بازار سرمایه در مراحل پنهان ورشکستگی دست به هموارسازی سود بزنند (حاجیها و سیری، ۱۳۸۸). مطالعات تجربی زیادی نشان می‌دهد که بعضی از مدیران، سود حسابداری و سود واقعی را دستکاری و هموار می‌کنند (ثقفی و خانی، ۱۳۹۴/اعتمادی و جوادی، ۱۳۸۸/اعتمادی و سلوری، ۱۳۹۱/انصاری و همکاران، ۱۳۸۹/آقائی و کوچکی، ۱۳۷۵/قائمی و همکاران، ۱۳۸۲/دموری و همکاران، ۱۳۹۰//Bao/Ashari & Wong, 1994/Beidleman, 1973 Barnea & Ronen, 1976 & Bao, 2004).

متخصصان حسابداری ابعاد مختلف هموارسازی سود را بررسی کرده‌اند. یکی از ابعادی که ضرورت دارد هموارسازی سود بر اساس آن بررسی شود، بعد فقهی است. منظور از بعد فقهی، بررسی مسئله به روش فقهی با استفاده از منبع و ادله آن به منظور استنباط حکم الهی است. خداوند در آیات زیادی صدور استقلالی حکم را اولاً و بالذات تنها از آن خود می‌داند «إن الحكم الا لله» (انعام: ۵۷) خداوند کسانی را که بر اساس آنچه نازل کرده، حکم نمی‌کنند، کافر، ظالم و فاسق می‌خواند (مائده: ۴۴، ۴۵ و ۴۷). مدلول این آیات این است که ما انسان‌ها مکلفیم در تمامی افعال و سکناات فردی و اجتماعی خود، چه در زمانی که به عنوان یک فرد رفتار می‌کنیم و چه به عنوان یک مسئول و مدیر تصمیم می‌گیریم باید برای تمامی رفتارها و تصمیمات خود حجت شرعی داشته باشیم؛ بنابراین بر مدیران شرکت‌ها لازم است قبل از آنکه به هموارسازی سود متوسل شوند، مستدل و متقن از حکم فقهی آن و چارچوب، محدودیت‌ها و اختیاراتی که فقه در اختیار آنها قرار می‌دهد، باخبر شوند. همچنین بر محققان لازم است بحث‌های نظری کافی را ارائه دهند.

گرچه اکنون مدیران بعضی از شرکت‌ها سود را هموار می‌کنند، نه تنها مشروعیت آن در هیچ بررسی فقهی اثبات نشده است؛ بلکه شائبه حرام بودن آن نیز وجود دارد. بی‌تردید فقه با دارا بودن منابع غنی می‌تواند به سنجش

صحت و سقم این شیوه پردازد. در حرفه حسابداری درباره هموارسازی سود، تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته است، ولی با رویکرد فقهی هیچ تحقیقی مشاهده نشده است؛ البته چند تحقیق وجود دارد که تا حدودی به مسئله مورد نظر نزدیک‌اند.

بزرگ اصل در مقاله خود با عنوان «اهداف و خصوصیات حسابداری اسلامی» بیان می‌دارد: طبق قرآن و روایات در فعالیت‌های اقتصادی باید فلاح و رستگاری به عنوان هدف نهایی انتخاب شود و حسابداری هم به عنوان ابزار ارائه اطلاعات در محیط اقتصادی باید با این اهداف سازگار باشد؛ بنابراین اهداف و خصوصیات حسابداری اسلامی نه تنها باید موجب ارائه تصویر درست درباره واحد اقتصادی شود، بلکه باید به گونه‌ای باشد که واحد اقتصادی را به سوی احسان و پرهیز از بی‌عدالتی تشویق نماید (بزرگ اصل، ۱۳۸۴، ص ۷۶-۸۳).

معصومی‌نیا و همکاران در تحقیقی به ارزیابی حاکمیت شرکتی بر اساس مبانی فقهی از منظر ساختار مالکیت در شرکت‌های سهامی عام پرداختند و نتیجه گرفتند: محققان اقتصاد اسلامی تاکنون با رویکردی بنایی و انفعالی به تصحیح عملیات شرکت‌های سهامی پرداختند و این شرکت‌ها از مشکلاتی همچون عدم رضایت واقعی توده سهامداران نسبت به بسیاری از تصمیمات و تصرفات اقلیت حاکم و مشکل اکل مال به باطل رنج می‌برند. این مشکلات از چالش‌های اساسی شرکت‌های سهامی عام است که با اجرای اصول حاکمیت شرکتی برطرف نخواهد شد. همچنین نتیجه گرفتند که عدالت، پاسخگویی، رعایت حقوق ذینفعان، مسئولیت‌پذیری و انصاف در این شرکت‌ها تأمین نمی‌شود (معصومی‌نیا و همکاران، ۱۴۰۱).

هدف از انجام این تحقیق تبیین ادبیات موضوع و شناخت هموارسازی سود شامل تعریف، انواع، انگیزه، هدف و شیوه‌ها با تأکید بر تحقیقات داخلی و خارجی به منظور استنباط حکم فقهی آن و همچنین شناخت چارچوب،

محدودیت‌ها و اختیاراتی که فقه در اختیار مدیران شرکت‌ها قرار می‌دهد، می‌باشد. در بررسی فقهی سؤال‌های زیادی درباره مسئله هموارسازی سود مطرح می‌شود که نیاز به بررسی دارد؛ اما در این مقاله، تنها به سه سؤال پرداخته می‌شود: ۱. مدیران چرا و چگونه سود را هموار می‌کنند؟ ۲. حکم فقهی هموارسازی سود چیست؟ ۳. اختیارات، محدودیت‌ها و مسئولیت‌های مدیران شرکت‌ها در مسئله هموارسازی سود چیست؟

ادعای اولیه مقاله این است که بعضی از انواع هموارسازی سود جایگاهی در فقه ندارد و مدیران اختیار و مجوز شرعی در اعمال آنها را با هر انگیزه و هدفی ندارند و مسئولیت شرعی آن متوجه کسانی است که چنین اقداماتی انجام می‌دهند؛ همچنین بر اساس احکام اسلام نمی‌توان به‌طور فریبکارانه و دستوری به تغییر مقدار سود شرکت‌ها در دوره‌های مختلف مالی، اقدام نمود.

برای استنباط هر حکم فقهی از جمله هموارسازی سود قبل از هر چیز باید ماهیت آن را شناخت؛ به گونه‌ای که بتوان آن را مصداق‌یابی کرده و به یکی از عناوین کلی فقهی تطبیق داد. این شناخت توسط کارشناسان یا توسط خود شخص متکفل استنباط حکم، انجام می‌گیرد. سپس وی آن موضوع را به عنوان یک فرع فقهی به اصل مناسب آن ارجاع می‌دهد تا احکام مترتب بر آن را استنباط نماید. بر هموارسازی سود احکام فقهی متعددی، مترتب می‌شود. نحوه هموارسازی سود، سیاست‌ها و روش‌های مرتبط با آن به احکام فقهی بستگی دارد. اگر ماهیت و ویژگی‌های آن به‌طور دقیق معلوم نشود، ممکن است احکام آن به نحو صحیح، معلوم و مشخص نشود و در پی آن، مدیران شرکت‌ها در اتخاذ سیاست‌های مفید کسب سود، دستشان بسته شود و یا برعکس چنان با دست باز عمل کنند که مغایر با احکام شرع باشد.

روش تحقیق ترکیبی از روش کتابخانه‌ای و تحلیل متن و محتوای منابع

نقلی و دینی و روش اجتهادی می‌باشد. این تحقیق در سه مرحله سامان یافت: موضوع‌شناسی در منابع حسابداری، جمع‌آوری اطلاعات و ملاحظه مفاهیم و مطالب متناظر و مشابه در منابع اسلامی و مرحله تحلیل و بررسی اطلاعات و نتیجه‌گیری. روش تحقیق در مرحله موضوع‌شناسی روش کتابخانه‌ای است. در مرحله جمع‌آوری اطلاعات و ملاحظه مفاهیم متناظر در منابع اسلامی به میراث مکتوب دینی و تاریخی مراجعه شد و روش مطالعه در این مرحله نیز کتابخانه‌ای است. در مرحله تحلیل و بررسی اطلاعات و نتیجه‌گیری، اطلاعات جمع‌آوری شده کنار هم قرار گرفتند و با استفاده از قواعد فهم و درک کلام معصومین (ع)، مقصود آن بزرگواران فهمیده شد. روش ما در این مرحله، تحلیل متن منابع نقلی و دینی و استنباط احکام از مدارک و تطبیق اصول و قواعد بر فروع می‌باشد.

مهم‌ترین محدودیت تحقیق نوپیدا بودن و نداشتن پیشینه فقهی است. در آیات و روایات عنوان هموارسازی سود وارد نشده است؛ لذا در حوزه‌های علمیه نیز بحث فقهی مدون و رسمی درباره آنها صورت نمی‌گیرد؛ درحالی‌که سایر مسائل فقهی، ابتدا سالیان متمادی در سطوح مختلف دروس حوزه به‌ویژه در دروس خارج، ارائه و بعد از تضارب آرا و دقت نظرهای کافی به فتوا تبدیل می‌شود.

هموارسازی سود: تاریخچه، مفهوم، انواع و مصادیق

سود مهم‌ترین رقم گزارشگری مالی خارجی است. سود نتیجه تفریق تمام درآمدها و هزینه‌های تحقق‌یافته یک دوره مالی شرکت است (واعظ و بنایی، ۱۴۰۰، ص ۲۴). سود به لحاظ روش محاسبه، به واقعی و حسابداری یا خالص تقسیم می‌شود. سود واقعی از طریق جمع جبری درآمدها و هزینه‌های ناشی از دادوستدهای واقعی محاسبه می‌شود. در حال حاضر سود به صورت خالص ارائه می‌شود که ترکیبی از اقلام واقعی، صوری و

تخمینی است. عیب سود خالص این است که معاملات صوری و تخمینی در آن وجود دارد که اساساً مبنای واقعی نداشته و در صورت کشف، تقلب در گزارشگری مالی محسوب می‌شود و حساب‌رسان با آن برخورد قانونی می‌کنند. به موجب استانداردهای حسابداری، مدیران در مواردی موظف به اعمال قضاوت‌های خود بوده، اقلامی را برآورد نموده و در محاسبه سود خالص دخالت می‌دهند. نمی‌توان به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی اطمینان داد معاملات واقعی تحت تأثیر تمایلات و منافع شخصی مدیران واقع نشده‌اند؛ زیرا مدیران حتی از طریق فعالیت‌های واقعی نیز می‌توانند سود را مطابق تمایلات خود هموار نمایند. اصولاً حساب‌رسان قادر به شناسایی و ردیابی دخالت مدیران در محاسبه درآمدها و هزینه‌ها نیستند؛ محاسبه سود خالص در یک شرکت متأثر از روش‌ها و برآوردهای حسابداری است و این امر فرصتی را برای مدیران فراهم می‌کند تا با بهره‌گرفتن از شیوه‌های گوناگون، سود حسابداری را هموار کنند.

به نظر تحلیلگران مالی و کارگزاران بورس سود گزارش‌شده، باید منعکس‌کننده سود واقعی باشد. تحلیلگران مالی در ارزیابی خود از شرکت‌ها از سود خالص گزارش‌شده استفاده نمی‌کنند؛ زیرا معتقدند در تعیین ارزش شرکت نه‌تنها به کمیت سود، بلکه باید به کیفیت آن نیز توجه شود. منظور از کیفیت سود، زمینه بالقوه رشد سود و میزان احتمال تحقق سودهای آتی است (همان، ص ۲۵). از نظر آنها سود جاری باید پایدار، تکرارپذیر و مستمر باشد. هرچه پایداری سود بیشتر باشد، یعنی شرکت توان بیشتری برای حفظ سودهای جاری دارد و فرض می‌شود شرکت از سود باکیفیت‌تری برخوردار است؛ همچنین هر قدر سود حسابداری منعکس‌کننده معاملات واقعی باشد، به همان اندازه کیفیت سود نیز افزایش می‌یابد (McNichols, 2002, p. 64). از جهت تاریخی استعمال واژه هموارسازی سود به اواسط قرن بیستم برمی‌گردد. هیپورت اولین محقق بود که هموارسازی سود را به عنوان یک

اقدام آگاهانه و تعمدی در شرکت‌ها پی برد و آن را به عنوان یک مسئله حسابداری در سال ۱۹۵۳ مطرح کرد و گوردن در سال ۱۹۶۴ آن را توسعه داد. پژوهش هیپورث (Hepworth) در اکثر مطالعات درباره هموارسازی سود، مورد توجه قرار گرفت. هیپورث معتقد بود در اصول پذیرفته‌شده حسابداری، آزادی بسیاری در تعبیر و تفسیر روش‌های تعیین سود دوره‌ای وجود دارد. این آزادی اجازه می‌دهد مدیران سود را هموار کنند (Dascher & Malcom, 1970, p.254 / Imhoff, 1977, p.86). فنون حسابداری که هیپورث برای هموارسازی سود مطرح کرده دستکاری در درآمد، به منظور انتقال درآمد به سال‌های آتی با روش قیمت‌گذاری موجودی‌ها، روش محاسبه استهلاک و دارایی‌های نامشهود است.

در ادبیات حسابداری تعریف مشخص، شفاف و واحدی از هموارسازی سود وجود ندارد. صاحب‌نظران درباره هموارسازی سود تعاریف متعددی ارائه کرده‌اند؛ هرچند این تعاریف از برخی جهات با هم تفاوت‌هایی دارند، اما در کل از نظر مفهومی و محتوایی به هم شبیه بوده و همگی بر «اقدام برای تغییر در سودهای گزارش‌شده» تأکید دارند. بعضی از این تعاریف عبارت‌اند از:

هیپورث: هموارسازی سود یک عمل عقلانی و منطقی است که مدیران تلاش می‌کنند با به‌کارگیری ابزارهای خاصی در حسابداری، سودشان را هموار کنند. از نظر وی هموارسازی سود عملی سفسطه‌آمیز و رندانه است که در محدوده اصول و استانداردهای حسابداری صورت می‌گیرد (Hepworth, 1953, p.33).

لیوپولد: هموارسازی سود نوعی عمل آگاهانه است که مدیران با استفاده از شیوه‌های خاصی در حسابداری جهت کاستن از نوسانات در سود انجام می‌دهند (Leopold, 1989, p.40).

کوپلند: هموارسازی سود عبارت است از کاهش تغییرات سالانه سود با

انتقال سود در سال‌هایی که سود زیاد است به سال‌هایی که سود کم است (Copeland, 1968, p.436).

بیدلمن: هموارسازی سود عبارت است از کاهش آگاهانه نوسانات سود به سطحی که برای شرکت طبیعی به نظر می‌رسد؛ به عبارت دیگر هموارسازی سود تلاش مدیران برای کاهش نوسانات غیرعادی سود است که در محدوده خط‌مشی‌های اصول حسابداری و مدیریت منطقی باشد (Beidleman, 1973, p.654).

اکثر این تعاریف تمایل دارند هموارسازی سود را به «کاستن عمدی نوسانات سود از طریق دستکاری صورت‌های مالی به منظور با ثبات جلوه‌دادن جریان سود در نظر برخی از ذینفعان» تعریف کنند. خود مدیرانی که سود را هموار می‌کنند چنین برداشتی از هموارسازی سود دارند؛ زیرا همیشه در صدد مخفی نگه‌داشتن آن و در مقابل حساب‌برسان در صدد کشف آن هستند. جمع‌بندی تعاریف ارائه‌شده این است که هموارسازی سود اصطلاح عمومی است برای «مجموعه‌ای از تصمیمات مدیریتی و دخالت در فرایند گزارشگری مالی به منظور کاستن از نوسانات غیرعادی سود و منحرف کردن سود گزارش شده از سود واقعی و عملکردی به قصد گمراه‌نمودن برخی از ذینفعان».

انواع هموارسازی سود

جریان هموارسازی سود را می‌توان به دو گروه کلی طبیعی و عمدی تقسیم کرد.

۱. هموارسازی سود طبیعی

جریان هموارسازی سود طبیعی (Natural Smoothing) بر فرایندی از فعالیت اقتصادی شرکت‌ها اطلاق می‌شود که به‌طور طبیعی و ذاتی جریان سود هموار ایجاد می‌کند و از برنامه‌ریزی و دستکاری مدیران ناشی نمی‌شود.

خود فعالیت اقتصادی به‌طور طبیعی و ذاتی هموار است؛ لذا سودی که از آن ناشی می‌شود نیز هموار و بی‌نوسان است؛ مثل سود صنایع آب و برق و گاز.

۲. هموارسازی سود تعمدی

هموارسازی سود تعمدی (Intentional Smoothing) نتیجه اقدامات عامدانه مدیران است که به دو دسته واقعی و مصنوعی تقسیم می‌شود.

۲-۱. هموارسازی سود واقعی

هموارسازی سود واقعی (Real Smoothing) به کلیه عملیاتی گفته می‌شود که مدیران آگاهانه و عامدانه در فرایند تولید به منظور تغییر میزان سود، رویدادهای اقتصادی و فعالیت‌های عملیاتی را کنترل می‌کنند؛ مثلاً مدیران اقداماتی انجام می‌دهند که تقاضا برای تولیدات شرکت افزایش یابد. نتیجه این اقدام، افزایش سود است. این نشانی از کنترل وقایع اقتصادی است که به‌طور مستقیم روی سود آینده تأثیر می‌گذارد. هموارسازی سود واقعی بر جریان‌های نقدی تأثیر می‌گذارد و مدیران آرایش حساب‌ها را دستکاری نمی‌کنند؛ بلکه فعالیت‌های عملیاتی، زمان انجام آنها، نحوه تخصیص منابع و یا زمان اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری و نظایر آن را دستکاری می‌کنند. آلبرشت و ریچاردسون معتقدند: هموارسازی سود واقعی زمانی رخ می‌دهد که مدیران عملیاتی انجام دهند که رویدادهای اقتصادی و درآمد را چنان سازمان‌دهی و بنیان نهند که جریان سود همواری را به وجود آورند. انتخاب زمان سرمایه‌گذاری یا ارائه تخفیف‌های فوق‌العاده برای افزایش فروش در آخر سال، نمونه‌هایی از هموارسازی سود واقعی سود می‌باشند (Alberecht & Richardson, 1990, p.714). به هموارسازی سود واقعی، هموارسازی معاملاتی (Transactional Smoothing) یا اقتصادی (Economic Smoothing) نیز گفته می‌شود.

۳. هموارسازی سود مصنوعی

هموارسازی سود مصنوعی (Artificial Smoothing) نوعی هموارسازی سود آگاهانه و برنامه‌ریزی شده است که مدیران با دستکاری عمدی گزارش‌های مالی اعمال می‌کنند. هموارسازی مصنوعی بر اساس رویدادهای اقتصادی نیست؛ لذا بر جریان‌ات وجوه نقدی شرکت تأثیر ندارد. فقط هزینه و درآمد را از یک دوره به دوره دیگر منتقل می‌کند. گاهی مدیران برای هموارکردن سود، رویدادهای اتفاق افتاده را ثبت نمی‌کنند و به سال‌های دیگر انتقال می‌دهند. در سال‌هایی که قصد دارند سودشان کمتر شود، فروش‌های آخر سال مالی را دیرتر شناسایی می‌کنند تا در سال آتی ثبت شود یا هزینه‌های مربوط به آغاز سال آتی را در سال جاری شناسایی می‌کنند، در سال‌هایی که قصد دارند، سود بیشتری را گزارش کنند، دقیقاً عکس حالت قبل عمل می‌کنند.

ایکل هموارسازی مصنوعی را دستکاری حسابداری توسط مدیران برای هموارکردن سود می‌داند (Eckel, 1981, p.29).

آلبرشت و ریچاردسون معتقدند: هموارسازی سود مصنوعی زمانی رخ می‌دهد که مدیران، زمان ثبت‌های حسابداری را دستکاری کنند تا جریان همواری از سود را به وجود آورند (Albrecht & Richardson, 1990, p.714). گوئل و تاکور معتقدند: هموارسازی سود مصنوعی اساساً با استفاده از انعطاف‌پذیری اصول پذیرفته‌شده حسابداری حاصل می‌شود (Goel & Thakor, 2003, p.152). به هموارسازی مصنوعی هموارسازی حسابداری (Accounting Smoothing) نیز گفته می‌شود.

هدف از هموارسازی سود

هدف نهایی مدیران از هموارسازی سود، بهره‌مندی از منافع مادی آن است؛ لذا تلاش می‌کنند شرکت را در نظر سرمایه‌گذاران، بازار سرمایه و سایر ذینفعان با ثبات و پویا نشان دهند. برای رسیدن به این منظور،

نوسانات درآمد را از یک دوره به دوره دیگر انتقال می‌دهند تا وانمود کنند شرکت سود ثابت دارد.

انگیزه‌های هموارسازی سود

انگیزه‌های هموارسازی سود به انگیزه‌های مربوط به منافع شرکت و انگیزه‌های مربوط به منافع شخصی مدیران تقسیم می‌شود. یکی از انگیزه‌های مربوط به منافع شرکت، حفظ اعتبار آن است. اعتبار بالا سبب می‌شود شرکت کارا و پویا به حساب آید. کسب جایگاهی مناسب در میان رقبا و بازار سرمایه سبب می‌شود سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان نسبت به شرکت نظر مساعدتری داشته باشند و شرکت از صرف هزینه‌های بیشتر در رقابت با سایر شرکت‌های مشابه بی‌نیاز شود و با هزینه کمتری اعتبار و وام دریافت کند.

انگیزه دیگر این باور است که شرکت‌هایی که روند سود مناسبی دارند و سود آنها دچار تغییرات عمده نمی‌شود نسبت به شرکت‌های مشابه ارزش بیشتری دارند. هموارسازی سبب بالا رفتن ارزش سهام شرکت در بورس و جذب سرمایه‌گذاران بالقوه می‌شود.

یکی دیگر از انگیزه‌ها، پرداخت بهره کمتر در استقراض از مؤسسات اعتباری و بانک‌هاست. هموارسازی سود شرکت را در حال رشد نشان می‌دهد و این خود نمایانگر مخاطره کمتر است و به شرکت امکان می‌دهد با نرخ بهره پایین‌تری از مؤسسات اعتباری و بانک‌ها وام بگیرد.

بیدلمن معتقد است: مدیران دو انگیزه برای هموارنمودن سود گزارش شده دارند؛ اول آنکه پدیدآمدن یک جریان با ثبات سود بر ارزش سهام شرکت، اثر مساعد دارد و مخاطره سرمایه‌گذاری در شرکت را کاهش می‌دهد؛ دومین انگیزه را توانایی مقابله با ماهیت ادواری بودن سود و کاهش احتمالی همبستگی بازده مورد انتظار شرکت با بازده مجموعه بازار می‌داند (Beidleman, 1973, p. 655).

یکی دیگر از انگیزه‌ها، جذب سرمایه‌گذاران جدید است. آنها به دنبال ثبات در سرمایه‌گذاری‌های خود هستند. اگر اطلاعات مالی شرکتی درآمد پرنوسانی را نشان دهد، ممکن است سرمایه‌گذاران به دلیل مخاطره و ناطمینانی بالا از سرمایه‌گذاری در این شرکت منصرف شوند. شرکتی که بتواند بازده ثابتی را طی چند سال نشان دهد، می‌تواند سرمایه‌گذاران بیشتری جذب کند. در این صورت سرمایه‌گذاران احساس راحتی بیشتری می‌کنند.

بخشی از انگیزه‌های هموارسازی سود، به طرح‌های پاداش بیشتر مدیران مربوط می‌شود که از ارقام سود حسابداری استفاده می‌شود. وقتی سهام شرکت در بورس نسبت به شرکت‌های مشابه ارزش بیشتری داشته باشد، مدیران توقع دریافت پاداش بیشتری دارند. برخی مدیران برای جلوگیری از اخراج خود از شرکت از شیوه هموارسازی سود استفاده می‌کنند.

شیوه‌های هموارسازی سود

مدیران با شیوه‌های مختلف سود را هموار می‌سازند. بعضی از این شیوه‌ها مربوط به هموارسازی مصنوعی و بعضی دیگر مربوط به هموارسازی واقعی است.

متداول‌ترین شیوه‌های هموارسازی سود مصنوعی

۱. دستکاری عمدی گزارش‌های مالی: به عنوان نمونه اگر مدیر مشاهده کند سود پایین‌تر از کفی است که به آن پاداش تعلق می‌گیرد، آن را باز کاهش می‌دهد. برای این کار هزینه‌های دوره‌های آتی را به دوره جاری و درآمد دوره جاری را به دوره‌های آتی انتقال می‌دهد. در نتیجه سود دوره‌های آتی افزایش می‌یابد؛ چون فرقی برای مدیر نمی‌کند که سودش چقدر زیر کف باشد. در هر صورت این سود پاداشی برای مدیر ندارد؛ اما اگر سود بیش از سقفی باشد که به آن سود تعلق می‌گیرد، مدیر بخشی از آن را کاهش می‌دهد و به دوره‌های آتی منتقل می‌کند؛ چون فرقی نمی‌کند که

سود چقدر بالای سقف باشد. در هر صورت پاداش به وی تعلق می‌گیرد و سود اضافی برای وی پاداش اضافی ندارد. مدیر تنها زمانی انگیزه کافی برای هموارسازی سود را دارد که سود بین سقف و کف باشد، در این حالت مدیر برای حداکثرکردن پاداش خود، سود را به سمت سقف افزایش می‌دهد. گاهی شرکت زیان می‌دهد، مدیر تلاش می‌کند با افزایش این زیان، سود دوره‌های آتی را افزایش دهد. مدیر در چنین حالتی می‌کوشد احتمال تعلق پاداش در آینده را افزایش دهد.

۲. تغییر طبقه‌بندی: در این شیوه مدیران با انتخاب ارقام میانی صورت سود و زیان، ترتیب مکانی قرارگرفتن آنها را تغییر می‌دهند. هنگامی که آمار و ارقام موجود در مورد سود و زیان، به غیر از سود خالص موضوع هموارسازی سود باشد، مدیران می‌توانند ارقام مربوط به اجزای سود را طبقه‌بندی نموده و بدین وسیله تغییرات سود عملیاتی دوره مربوطه را افزایش دهند؛ برای نمونه، نشان دادن برخی از درآمدهای غیرعملیاتی در قالب درآمدهای عملیاتی و یا انتقال برخی از هزینه‌های عملیاتی به هزینه‌های عمومی و اداری، همگی می‌تواند منجر به افزایش سود عملیاتی واحد تجاری گردد. مدیران تمایل دارند ماهیت درآمدهای اتفاقی را عادی نشان دهند و بخشی از هزینه‌ها را به عنوان هزینه‌های غیرعادی و اتفاقی و غیرمستمر افشا نمایند تا بدین وسیله بخشی از زیان و یا کاهش سود مورد انتظار را موقتی جلوه دهند. در این شیوه مدیران اقدام به چیدمان اعداد درون صورتهای مالی به‌ویژه صورت سود و زیان می‌کنند؛ به نحوی که رقم نهایی سود یا زیان شرکت تغییر نمی‌کند. این موضوع باعث اشتباه و انحراف در نسبت‌های مالی از جمله نسبت‌های عملکردی می‌شود. همچنین مدیران به منظور بیش‌نمایی سود، اقدام به انتقال هزینه‌ها به طبقات پایین‌تر می‌کنند؛ بدین معنی که تا جایی که امکان دارد بخشی از هزینه‌های عملیاتی را هزینه‌های غیرعملیاتی و ارقام غیرمستمر در نظر می‌گیرند (ثقفی و جمالیان‌پور، ۱۳۹۷، ص ۳).

متداول‌ترین شیوه‌های هموارسازی سود واقعی

۱. زمان‌بندی وقوع رویداد، شناخت و ثبت آن: مدیران می‌توانند فعالیت‌های مالی را زمان‌بندی کنند، مثل به تأخیر انداختن یک فروش و یا اینکه مخارج اختیاری انجام دهند. ارقام اختیاری در فرایند هموارسازی سود نقش مهمی ایفا می‌کند. ارقام اختیاری هستند که مدیران بر آنها کنترل دارند و می‌توانند آنها را به تأخیر اندازند، حذف کنند و یا ثبت و شناسایی آنها را تسریع کنند. حذف و یا کاهش هزینه‌ها طی سال‌های کساد و افزایش آنها در سال‌های رونق، رویه مطلوبی برای بسیاری از هزینه‌های اختیاری است. مدیران می‌توانند وقتی سود شرکت بالا است، هزینه‌ها را افزایش دهند؛ مثلاً پاداش کارمندان را افزایش دهند یا کارگران بیشتری استخدام کنند و برعکس وقتی درآمد پایین است، این شیوه را به صورت معکوس به کارگیرند یا وقتی که انتظار دارند در سال‌های آینده درآمد شرکت کاهش یابد، درآمدش را به تعویق اندازند یا برعکس در وقتی که انتظار دارند در آینده درآمد افزایش یابد، در حال حاضر تخصیص هزینه را به تأخیر اندازند. مدیران این اختیار را دارند که چگونه و چه موقع رویدادها را شناسایی کنند. اهم هموارسازی سود از طریق تغییر زمان رویدادها عبارت از سرمایه‌ای تلقی کردن برخی از هزینه‌ها، زمان‌بندی خرید و فروش دارایی‌های ثابت و سرمایه‌گذاری‌ها، هزینه‌های تحقیق و توسعه، هزینه تبلیغات، هزینه نگهداری و تعمیرات، زمان‌بندی فروش اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات است. نوروش و همکاران نشان دادند شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران از طریق فروش سرمایه‌گذاری‌ها و دارایی‌های ثابت سودشان را هموار می‌کنند. همچنین نشان دادند میزان اثر هموارسازی سود در شرکت‌های دارای کاهش سود عملیاتی، بیشتر از شرکت‌هایی است که افزایش سود عملیاتی را تجربه می‌کنند (نوروش و همکاران، ۱۳۹۰).

۲. هموارسازی سود واقعی از طریق تخصیص هزینه و درآمد به

دوره‌های زمانی مختلف: مدیریت این اختیار را دارد که چگونه و چه موقع رویدادها را شناسایی کند؛ برای مثال در مورد دارایی‌های معیوب این اختیار را دارد که چه مقدار از آن را در دوره‌های مختلف مستهلک نماید. مدیریت می‌تواند زمان و مقدار سرمایه‌گذاری در هزینه‌های تحقیق و توسعه، تبلیغات و نگهداری را برای هر دوره انتخاب نماید. مدیریت همچنین قادر است در مورد زمان‌بندی فروش اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات برای تسریع بخشیدن یا به تأخیر انداختن شناخت سود و زیان تصمیم‌گیری نماید. اگر مدیریت بخواهد سود گزارش شده را افزایش دهد، می‌تواند مخارج تحقیق و توسعه را کاهش دهد. در این صورت سود گزارش شده افزایش می‌یابد یا می‌تواند این هزینه‌ها را بین سال‌های مختلف طوری سرشکن کنند که نتیجه حاصل، سود هموار باشد. در سال‌هایی که سود خیلی زیاد است این نوع هزینه‌ها را زیاد افزایش دهند و در سال‌هایی که سود کم است، کاهش دهند.

حکم شرعی هموارسازی سود

ادعای اولیه ما این است که حکم شرعی هموارسازی سود مصنوعی حرمت و حکم شرعی هموارسازی سود طبیعی و واقعی جواز است. دلایل ما برای حرمت هموارسازی سود مصنوعی عبارت است از:

۱. حرمت اکل مال به باطل و اکل سُحت: این دلیل از چهار مقدمه تشکیل شده است: ۱. هر مالی شرعاً محترم است و هرگونه تصرفی در آن به اذن مالک نیاز دارد؛ ۲. انتقال مال از صاحب آن به دیگران سبب شرعی می‌خواهد؛ ۳. هرگونه تصرف در اموالی که سبب شرعی برای آن وجود نداشته باشد، مصداق اکل مال به باطل و اکل سُحت است؛ ۴. منافع مازاد بر عملکرد واقعی و اقتصادی شرکت که ناشی از فریب و گمراه نمودن ذینفعان و دادن اطلاعات نادرست به آنها به دست می‌آید، سبب شرعی برای انتقال مال از مردم به مدیران یا سائر ذینفعان تلقی نمی‌شود.

تبیین و اثبات مقدمات: محترم‌بودن مال دیگران از نظر فقهی یک اصل مسلم است. روایات زیادی بر این امر دلالت دارد. پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «حرمت مال مسلمان، مثل حرمت خونش است» (نوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۶۵). «مال هیچ فرد مسلمانی حلال نیست، مگر با رضایت شخص وی» (همان، ص ۱۴۶). «هر کس در دفاع از مالش به مقاتله پردازد و در این مقاتله به قتل برسد، شهید است» (نسایی، [بی‌تا]، ج ۷، ص ۱۱۵). طبق این بیان اموال مسلمانان همسنگ خونشان است. همچنین در توفیق مبارک از امام زمان (عج) آمده «برای هیچ کس تصرف در مال دیگران بدون اجازه صاحبش حلال نیست» (حر عاملی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۳۰۹).

یکی دیگر از اصول مسلم فقه این است که انتقال مال از صاحبش به دیگران سبب شرعی می‌خواهد. اسباب شرعی انتقال، مرگ، رسیدن مال به حد نصاب خمس و زکات، قراردادهای شرعی و ارتداد فطری می‌باشد. در هموارسازی سود مصنوعی چنین قرارداد شرعی وجود ندارد.

یکی از ممنوعیت‌های مؤکد قرآن «اکل مال به باطل و اکل سُحت» است. این ممنوعیت به عنوان یک ضابطه عمومی در روابط مالی مطرح می‌باشد و حتی بر بسیاری از ضوابط دیگر حکومت دارد. فقها در موارد زیادی با استفاده از آن، حکم به حرمت و بطلان معامله‌ها می‌کنند؛ مثل مواردی که معامله موجب تضييع حقوق دیگران می‌شود. دلیل اصلی این ضابطه آیاتی از قرآن کریم به‌ویژه آیه ۲۹ سوره نساء معروف به «آیه تجارت» است. خداوند در این آیه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ». این آیه زیربنای قوانین اسلام در روابط مالی است. به همین دلیل فقها در تمام ابواب معاملات به آن استدلال می‌کنند. مقصود آیه این است که گردش اموال در میان مردم و نقل و انتقال آن از بعضی به بعض دیگر به شکل باطل نباشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۲۴).

تصرف در اموال دیگران به هر نحوی که از نظر عرف باطل باشد؛ مانند ربا، قمار، خرید و فروش غرری، گرفتن مال به سوگند دروغ (الطبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۱۳۴) خوردن مال یتیم (نساء: ۲)، غصب و تصرفات عدوانی (حلی علامه، [بی تا]، ج ۲، ص ۳۷۳) معاملات و درآمدهای نامشروع (الطبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۳۴)، تقلب، غش، معاملات غیرشفاف و تخمینی، معاملات ناقص الارکان شرعاً حرام می باشد.

در شرایط امروزی، با توجه به دگرگونی های عمیق و گسترده در دادوستدها و پدید آمدن انواع ارزش های دیجیتالی، سرمایه های کاغذی و وهمی و قراردادهای جدید و اعتباری، شکل های جدیدی از تدلیس، تلبیس، غش و فریبکاری به وجود آمده است که تعریف باطل بر آنها و بر بسیاری از زدوبندها و فریبکاری هایی که امروزه در مراکز تجاری، صنعتی و خدماتی اتفاق می افتد، صدق می کند و قاعده اکل مال به باطل آنها را نیز در برمی گیرد. در هر صورت مرجع تشخیص باطل عرف است.

یکی دیگر از ممنوعیت های قرآن، اکل سُحت است که به عنوان یک ضابطه فقهی مطرح می باشد. فقها با استفاده از آن، به استخراج احکام وضعی و تکلیفی معامله ها می پردازند. سُحت در لغت به معنای مال حرام و نامشروع است (الراغب الاصفهانی، ۱۳۹۲، ص ۴۰۰). در اصطلاح فقه، به هر مالی که از راه حرام به دست آید، سُحت اطلاق می شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۲۴) و معنایی شبیه باطل دارد و هر نوع حرام خواری و درآمد نامشروع را شامل می شود. دلیل اصلی فقها سوره مائده آیه ۴۱ و ۴۲ می باشد. خداوند در این آیات می فرماید: «یا ایها الرسول لایحزنک الذین یسارعون فی الکفر من الذین هادوا ... سمّاعون للکذب اکالون للسحت».

مورد دیگر سوره مائده آیه ۶۲ و ۶۳ می باشد. هرگونه تملک و تصرف در مالی که دلیل شرعی نداشته باشد، مصداق حرمت اکل مال به باطل و اکل سُحت است. از مقدمات چهارگانه نتیجه می گیریم: از آنجایی که مدیران در

هموارسازی سود مصنوعی گزارش‌های مالی را دستکاری می‌کنند و انگیزه آنها منافع شخصی یا منافع شرکت است و عملکرد واقعی شرکت را به منظور گمراه کردن بعضی از ذینفعان مخفی نگه می‌دارند و چون اقدامات آنها موجب تصمیمات غلط از طرف مقابل می‌شود که منافع ناحقی برای مدیران یا سائر ذینفعان دارد یا به عبارت دیگر موجب انتقال ناحق مال از گروهی به گروه دیگر می‌شود، این اقدامات از نظر عرف باطل محسوب می‌شود؛ لذا هموارسازی سود مصنوعی عملی فرصت طلبانه و مصداق اکل مال به باطل و اکل سحت است. مدیرانی که مرتکب آن می‌شوند، فعل حرام انجام داده و حق تصرف در اموال جمع‌آوری شده را ندارند و باید به صاحبان آنها برگردانند.

۲. حرمت غش در معامله: دومین دلیل ما غش در معامله است. غش یکی از حرام‌های مؤکد اسلام است. غش در لغت، به معنای گول زدن، فریب دادن، نشان دادن خلاف واقع آمده (منتهی‌الارب ماده غش) و در اصطلاح، به معنای اخفای عیب موجود یا اظهار ویژگی مفقود است. غش در معامله بیان چیزی خلاف واقع در مورد کالای مورد معامله و پنهان کردن عیب آن است. غش به یکی از این امور تحقق می‌یابد: پنهان کردن چیزی که مورد معامله نیست؛ مثل آب در شیر، نشان دادن ویژگی خوب در کالای مورد معامله در حالی که آن ویژگی را ندارد، نشان دادن چیزی برخلاف جنس و ماهیت آن، اعلام نکردن عیب کالا به خریدار، مخلوط کردن کالای گران‌قیمت با ارزان‌قیمت یا کالای با کیفیت با بی کیفیت، ذکر صفت مرغوب برای جنسی که این صفت را ندارد. تحقق غش منوط به آگاه بودن فروشنده از غش و جهل خریدار است. شیخ انصاری معتقد است: اخباری که در حرمت غش رسیده متواتر است. رسول خدا (ص) فرمود: «کسی که با مسلمانی غش کند، از ما نیست و روز قیامت با یهود محشور می‌شود، خداوند برکت را از روزیش برمی‌دارد و معیشت وی را خراب می‌کند و به خودش واگذارش می‌کند» (صدوق،

۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۷۳). امام صادق (ع) می‌فرماید: «مغبون ساختن مؤمن، حرام است و مغبون ساختن کسی که در قیمت کالا [و سالم بودن جنس] به فروشنده اعتماد کرده، حرام است»؛ چون در هموارسازی سود مصنوعی فریب و گمراه کردن نهفته است و سبب می‌شود بعضی از ذینفعان تصمیم غلط بگیرند و از این طریق منافع ناحقی از گروهی به گروه دیگر منتقل شود. این اقدامات از نظر عرف، غش در معامله محسوب می‌شود.

۳. حرمت تدلیس: سومین دلیل ما حرمت تدلیس است. تدلیس در لغت به معنای فریب‌دادن و نشان‌دادن چیزی خلاف واقع، کتمان کردن و پوشاندن است (شهید ثانی، [بی‌تا]، ج ۵، ص ۳۹۶) و در اصطلاح عبارت است از اینکه یکی از طرف‌های معامله با نیرنگ طرف دیگر معامله را بفریبد و حقیقت را برای وی وارونه جلوه دهد تا موجب رغبت در او برای خرید کالا یا انعقاد قراردادی شود؛ طوری که اگر فروشنده این عملیات فریبنده را انجام نمی‌داد، مشتری آن کالا را نمی‌خرید یا قرارداد را منعقد نمی‌کرد. نتیجه اینکه گزارش‌های مالی باید مطابق با واقع باشد تا تصویر درستی از عملکرد شرکت ارائه دهد و مصداق اغراء به جهل، فریب‌دادن، غش در معامله و گمراه کردن و تدلیس نباشد. وقتی هموارسازی سود این‌گونه نباشد، منافع مادی که نصیب هرکدام از ذینفعان می‌شود، مصداق قاعده اکل مال به باطل می‌باشد؛ چون بی‌جهت نظر مثبت سرمایه‌گذاران را به عملکرد آینده شرکت جلب کرده و آنها حاضر شدند سهام شرکت را به قیمت بالاتر بخرند؛ زیرا سرمایه‌گذاری در شرکت خاصی بستگی به ذهنیت عموم از عملکرد آینده شرکت دارد؛ لذا مدیران برای نشان‌دادن تصویر بهتر از آینده شرکت، قبل از مراجعه به بازار سرمایه، اقدام به هموارسازی سود می‌کنند یا اینکه قبل از عرضه نخستین سهام، به انگیزه افزایش قیمت آن، سود خالص شرکت را دستکاری کرده تا رغبت مردم به خریدن سهام افزایش یابد. هموارسازی سود مصنوعی شکل نوین غش در معامله و تدلیس است.

حکم وضعی هموارسازی سود مصنوعی

ادعای اولیه ما این است که حکم وضعی هموارسازی سود مصنوعی ضمان است و مدیرانی که مرتکب آن می‌شوند حق تصرف در اموال جمع‌آوری شده را ندارند و باید به صاحبان آنها برگردانند. دلایل ما برای ضمانت عبارت است از:

۱. حرمت تکلیفی هموارسازی سود مصنوعی: نزد بسیاری از فقها، در اثر تصرفی که دارای حکم تکلیفی حرمت است، ضرری به دیگری وارد شود، همان حکم حرمت، دلیل بر ضمان خواهد بود (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۱۰۳/ حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴۹۴/ مامقانی، ۱۳۵۰، ص ۳۴۲).
۲. قاعده احترام مال و عمل مسلمان: احترام در اصطلاح فقه یعنی اموال مردم و منافع آنها بدون اذن صاحب آن از تحت اختیارش خارج نشود و کسی بدون رضایت او در آن مال تصرف نکند (تسخیری، ۱۴۳۱ق، ص ۱۹). مقصود از احترام مال مردم، مصونیت اموال آنان از تصرف و تعدی است؛ بدین معنا که اولاً تعدی و تجاوز نسبت به آنها جایز نیست و ثانیاً در فرض وقوع تعدی و تجاوز، متجاوز، مسئول و ضامن است. این قاعده نزد فقهای شیعه پذیرفته شده است و آیات و احادیث زیادی بر آن دلالت دارد؛ برای نمونه، آیه ۲۹ سوره نساء معروف به «آیه تجارت» بر این قاعده دلالت دارد که بحث آن گذشت. در این باره پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرمایند: «مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ اَمَانَةٌ فَلْيُؤَدِّهَا اِلَى مَنْ اَثَمَنَهُ عَلَيْهَا، فَانَّهُ لَا يَحِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ وَلَا مَالُهُ اِنَّمَا بَطِيْبُ نَفْسٍ مِنْهُ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۳۳۱): هر کس که نزد او امانت فرد دیگری باشد باید آن را به صاحبش برساند؛ پس همانا خون مرد مسلمان و مال او حلال نیست مگر با رضایت خاطر او. محقق اردبیلی بر این مطلب ادعای اجماع کرده است (مصطفوی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۳۰). عقل هم دلالت بر قبح تصرف در مال دیگری بدون اذن او می‌کند. سیره مسلمین و بنای عقلا در عالم بر احترام اموال دیگران و تصرف نکردن بدون رضایت

صاحب آن می‌باشد. اگر تصرف و مزاحمت در اموال مردم حرام است، این عمل حرام مادام که توسط متصرف جبران و تدارک نشود، کماکان در حال ارتکاب محسوب می‌شود؛ چون مزاحمت تداوم دارد و رفع مزاحمت جز از طریق تدارک مال تصرف شده محقق نمی‌گردد؛ بنابراین، حتی اگر مفاد روایت حکم تکلیفی باشد نیز لازمه آن، ضمان خواهد بود (اصفهانی، ۱۴۲۵ق، ص ۷۹). احترام مال به آن است که در صورت تعرض و تصرف و مصرف غیرمجاز، متصرف ملزم به جبران باشد (حکیم، ۱۳۷۶ق، ص ۳۹۱).

حکم شرعی هموارسازی سود واقعی

قبل از ورود به بحث بررسی حکم شرعی ذکر چند مقدمه ضروری است:

۱. طبق ماده ۶۳۰ قانون تجارت، مدیران باید صورت‌های مالی شرکت‌ها را بر اساس استانداردهای حسابداری و حسابرسی تهیه نمایند؛ به نحوی که بیانگر محتوای مالی و اقتصادی معاملات و کلیه اطلاعات مؤثر در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی باشد. این استانداردها توسط سازمان حسابرسی تهیه و تدوین می‌شود و تاکنون ۴۳ استاندارد برای حسابداری و حسابرسی ۴۳ موضوع مرتبط با صورت‌های مالی شرکت‌ها تهیه و تدوین شده است که مهم‌ترین آن «استاندارد حسابداری ارائه صورت‌های مالی» است که به استاندارد حسابداری شماره یک معروف می‌باشد و ۱۴۱ بند دارد. استانداردهای حسابداری خط‌مشی‌های مکتوب صادرشده توسط نهادهای حسابداری و سایر نهادهای نظارتی است که جنبه‌های شناسایی، اندازه‌گیری، ارائه و افشای تراکنش‌های حسابداری را پوشش می‌دهد و هدف آنها ارائه اطلاعات مالی به سرمایه‌گذاران، وام‌دهندگان، اعتباردهندگان، مشارکت‌کنندگان و سایر افراد است و حسابدارها قانوناً باید آنها را رعایت کنند.

۲. طبق بند ۹ استاندارد حسابداری شماره ۳۴ در مواردی که برای يك

معامله، رویداد دیگر یا شرایط، یک استاندارد حسابداری مشخص وجود نداشته باشد، مدیریت باید از قضاوت خود در تعیین و به‌کارگیری رویه حسابداری استفاده کند؛ به‌گونه‌ای که اطلاعات حاصل از آن: ۱. قابل اتکا باشد و وضعیت مالی، عملکرد مالی و جریان‌های نقدی را به‌طور صادقانه بیان کند؛ ۲. محتوای اقتصادی معاملات، سایر رویدادها و شرایط و نه صرفاً شکل قانونی را منعکس کند؛ ۳. بی‌طرفانه باشد؛ ۴. همراه با احتیاط باشد؛ ۵. از تمام جنبه‌های بااهمیت، کامل باشد. منظور از بااهمیت بودن در بند ۵ استاندارد حسابداری شماره ۳۴ این‌گونه تعریف شده است: «عدم ارائه یا ارائه نادرست اقلام در صورتی بااهمیت است که بتواند به‌تنهایی یا در مجموع، بر تصمیمات اقتصادی استفاده‌کنندگان که بر اساس صورت‌های مالی اتخاذ می‌شود، تأثیر بگذارد». طبق بند ۱۰ استاندارد حسابداری شماره ۳۴ برای اعمال قضاوت، مدیریت باید الزامات استانداردهای حسابداری را که به موضوعات مشابه و مربوط می‌پردازد، رعایت کند.

۳. بند ۳۱ استاندارد حسابداری شماره ۳۴ به مدیران اجازه می‌دهد به علت عدم اطمینان‌های ذاتی فعالیت‌های تجاری، بسیاری از اقلام صورت‌های مالی که نمی‌توان با دقت اندازه‌گیری کرد؛ مثل عمر مفید دارایی‌های استهلاک‌پذیر را طبق قضاوت‌های خود که مبتنی بر آخرین اطلاعات در دسترس و قابل اتکا است، برآورد کنند.

۴. بر اساس استاندارد حسابداری شماره یک بند ۲۵ واحد تجاری باید صورت‌های مالی خود را بر مبنای تعهدی تهیه کند. حسابداری تعهدی، حق انتخاب قابل توجهی به مدیران در تعیین سود در دوره‌های زمانی متفاوت اعطا می‌کند و مدیران کنترل چشمگیری بر زمان تشخیص برخی از اقلام هزینه از جمله هزینه‌های تبلیغات و مخارج تحقیق و توسعه دارند. مدیران در حسابداری تعهدی با گزینه‌های متفاوتی در مورد زمان تشخیص درآمدها روبه‌رو هستند؛ مثلاً می‌توانند درآمد را از طریق انجام فروش‌های نسبه زودتر شناسایی کنند.

۵. طبق ماده ۵۷۲ قانون تجارت، مدیران کلیه اختیارات لازم برای تصمیم‌گیری در مورد اداره شرکت را دارند.

۶. طبق ماده ۵۹۸ قانون تجارت، مدیران در مقابل شرکت، شرکا و یا سهامداران امین بوده و دارای مسئولیت امانی هستند؛ یعنی ۱. صرفاً در چارچوب اختیارات خود اقدام کنند؛ ۲. در کلیه تصمیمات و اقدامات خود غبطه و مصلحت شرکت و شرکا و یا سهامداران را رعایت کنند؛ ۳. به نحو متعارف برای جلب منافع شرکت کوشش کنند و از اموال، حقوق و منافع شرکت مراقبت نمایند؛ ۴. آن دسته از معاملات، اقدامات یا تصمیماتی را که خود در آنها نفع شخصی یا تعارض منافع دارند به صراحت برای سایر ارکان شرکت اعلام و افشا نمایند.

ادعای ما این است که تمامی شیوه‌های هموارسازی سود واقعی اشکال فقهی ندارد؛ زیرا در هموارسازی واقعی فرض بر این است که مدیران سود را با در نظر گرفتن مقدمات شش‌گانه هموار می‌کنند؛ یعنی استانداردهای چهل‌وسه‌گانه را رعایت می‌کنند و در هر موردی که استاندارد وجود نداشته باشد و به‌ناچار باید قضاوت شخصی را اعمال کنند، قضاوتشان قابل اتکا، صادقانه، دارای محتوای اقتصادی، بی‌طرفانه، توأم با احتیاط و از تمام جنبه‌ها کامل است. طبق قانون، مدیران امین هستند؛ یعنی در چارچوب قانون عمل می‌کنند و در کلیه تصمیمات غبطه و مصلحت شرکت و شرکا و سهامداران را رعایت می‌کنند و به نحو متعارف برای جلب منافع شرکت کوشش می‌کنند. در این صورت این هموارسازی اشکال شرعی ندارد. اگر در چارچوب رعایت این قوانین، منافع شخصی پیگیری شود، تشخیص آن مشکل است؛ زیرا هموارسازی سود واقعی شبیه تصمیم‌های عادی شرکت است و تشخیص اینکه انگیزه و نیت مدیران چی بوده؟ آیا فعالیت واقعی در سطح بهینه بوده یا نه؟ آیا مبتنی بر رفتار فرصت‌طلبانه بوده یا نه؟ سخت است. به خاطر همین کمتر تحت بررسی، توجه و نظارت خارجی قرار

می‌گیرد و توسط ناظران داخلی و هیئت مدیره یا کمیته حسابرسی به‌سختی قابل شناسایی است. هموارسازی سود یک فعالیت عاقلانه و بخشی از فرایند مدیریت مالی و اعاده ارزش سهامداران است؛ به‌گونه‌ای که مدیران، بودجه معقول تعیین می‌کنند، نتایج و شرایط بازار را بررسی نموده، در برابر تمامی تهدیدات و فرصت‌های غیرمنتظره واکنش مثبت نشان می‌دهند. در این صورت هموارسازی سود مصداق باطل عرفی نبوده و شرعاً مشروع است؛ زیرا رسیدن به نتایج باثبات و قابل پیش‌بینی و روند مثبت سود، عرفاً نه غیرقانونی و نه غیراخلاقی است؛ بلکه نشانه‌ای از مهارت مدیران است که بازار در پی آن است و به آن پاداش می‌دهد. در این صورت روند ایجادشده، گمراه‌کننده نبوده و تمامی ذی‌نفعان درون و برون شرکت آن را می‌پذیرند؛ از این رو می‌توان نتیجه گرفت: هموارسازی سود واقعی، شرعاً مجاز است.

حکم شرعی هموارسازی سود طبیعی

همان‌طور که در تعریف آمده هموارسازی سود طبیعی، فعالیت اقتصادی است که بدون برنامه‌ریزی و دستکاری، بلکه به‌طور طبیعی و ذاتی سود هموار ایجاد می‌کند و مدیران در آن هیچ‌گونه نقشی ندارند. در این صورت، مصداق باطل عرفی نبوده و عرف بازار سرمایه آن را می‌پذیرد؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت: هموارسازی سود طبیعی شرعاً مجاز است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مدیران به‌انگیزه منافع شرکت و منافع شخصی اقدام به هموارسازی سود می‌کنند و برای اعمال آن از شیوه‌های متعددی نظیر دستکاری فعالیت‌های عملیاتی واقعی، اقلام تعهدی، زمان‌بندی رویدادها و دستکاری رویه‌های حسابداری و تغییر طبقه‌بندی استفاده می‌کنند. طبق بررسی‌های فقهی صورت‌گرفته، هموارسازی سود مصنوعی شرعاً حرام است؛ ولی هموارسازی واقعی و طبیعی حرام نیست. هموارسازی سود، وقتی شرعی

است که تصمیمات مبتنی بر هموارسازی سود، همانند تصمیمات مبتنی بر سود هموار نشده باشد. دلایل این احکام گستره حرمت اکل مال به باطل، اکل سُحت، حرمت غش و حرمت تدلیس می باشد.

راهکارهای سیاستی

از آنجایی که نتایج مقاله به این امر منتهی شد که هموارسازی سود مصنوعی جایگاهی در اقتصاد اسلامی ندارد و خلاف احکام صریح اسلام است و برای اینکه این خلاف شرع و آثار منفی آن در آینده تکرار نشود، مسئولان بازار سرمایه باید اقداماتی را برای خلاصی از این شیوه ناعادلانه و ناکارآمد انجام دهند. حرکت به سمت اقتصاد عاری از هموارسازی سود مصنوعی نیازمند انجام اصلاحات ساختاری در میان مدت و بلندمدت است. حسابرسی و حسابداری سالم و عاری از هموارسازی سود مصنوعی برای عملکرد صحیح بازار سرمایه و کل اقتصاد حیاتی و لازمه جلب و حفظ اعتماد عمومی است. نظارت ضعیف ممکن است موجب سلب اعتماد مردم از بازار سرمایه شود که می تواند منجر به خروج منابع یا بحران نقدینگی و نوسان قیمت ها در بورس شود. شرکت ها علاوه بر سهامداران، در قبال سرمایه گذاران و سایر اشخاص نیز مسئولیت دارند. از مسئولان بازار سرمایه این اقدامات انتظار می رود: ۱. تفکیک کامل مقام ناظر و مقام اجرا؛ ۲. تأکید بر شفافیت اطلاعات؛ ۳. در نظر گرفتن مجازات برای گزارشگری غیر واقعی؛ ۴. مقابله با اطلاعات نهانی، دستکاری قیمت ها و انتشار اطلاعات ناصحیح؛ ۵. مجرمانه دانستن برخی رفتارها در رابطه با افشای اطلاعات.

منابع و مأخذ

*. قرآن کریم.

آقائی، محمدعلی، کوچکی، حسن (۱۳۷۵). گمان‌هایی پیرامون نمایش سود. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۴ و ۱۵.

اصفهان‌ی، محمدحسین (۱۴۲۵ق). حاشیه کتاب المکاسب. قم، پایه دانش.

اعتمادی، حسین، جوادی مژده، محمدعلی (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر ارتباط بین هموارسازی سود و سودآوری شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران. حسابدار رسمی، ۲(۲).

اعتمادی، حسین، سلوری، مهران (۱۳۹۱). بررسی اثر هموارسازی سود بر جریانات نقدی و سود دوره آتی با توجه به دو متغیر نوع صنعت و اندازه شرکت. پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی، ۲(۳).

انصاری، عبدالمهدی، خواجه‌ی، حسین (۱۳۸۹). «بررسی ارتباط هموارسازی سود با قیمت بازار سهام و نسبت‌های مالی. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۳(۸).

بزرگ اصل، موسی (۱۳۸۴). اهداف و خصوصیات حسابداری اسلامی. حسابرس، ۳۱.

تسخیری، محمدعلی (۱۴۳۱ق). القواعد الاصولیه و الفقهیة علی مذهب الامامیه. ج ۲. تهران، المجمع العالمی للتقرب بین المذاهب الاسلامیه. المعاونیه الثقافیه.

ثقفی، علی، جمالیان‌پور، مظفر (۱۳۹۷). جایگاه پدیده تغییر طبقه‌بندی در مدیریت سود. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۵ (۵۷).

ثقفی، علی، محمدرضاخانی، وحید (۱۳۹۴). هموارسازی سود مروری جامع بر مفاهیم با تأکید بر تحقیقات داخلی و خارجی. حسابداری و منافع اجتماعی، ۵(۱۷).

حاجیها، زهره، سیری، امیر (۱۳۸۸). بررسی ارتباط بین هموارسازی آگاهانه سود و ورشکستگی شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مدیریت، ۲(۲).

حر عاملی، محمدبن حسن (۱۳۷۱). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. ج ۱۷، قم، مؤسسه آل‌البیت.

حکیم، سیدمحسن (۱۳۷۶ق). مستند العروه الوثقی کتاب الاجاره. نجف، مطبعه الزهراء.

الحلی علامه، الحسن بن یوسف (بی‌تا). تذکره الفقهاء. تهران، المکتبه الرضویه لاحیاء الاثار الجعفریه.

حلی، ابن‌ادریس (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. ج ۲، ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

دموری، داریوش، عارف‌منش، زهره، خلیل، عباس موصولو (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین هموارسازی سود، کیفیت سود و ارزش شرکت در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱(۳).

الراغب الاصفهان‌ی، حسین‌بن محمد (۱۳۹۲م). معجم مفردات الفاظ القرآن. تحقیق ندیم مرعشلی. [بی‌جا]، مطبعه التقدم العربی.

- الشهيد الثاني، زين الدين بن علي العاملي (بي تا). الروضه البهيه في شرح للمعهه الدمشقيه. تهران، المكتبه الاسلاميه.
- صدوق (شيخ)، محمد بن علي (١٤٠٤ ق). من لا يحضره الفقيه. قم، انتشارات جامعه مدرسين.
- طباطبائي، سيد محمد حسين (١٤١٧ ق). الميزان في تفسير القرآن. ج ٤، بيروت، مؤسسه الاعلمي للمطبوعات.
- طبرسي (شيخ)، فضل بن الحسن (١٤٠٨ ق). مجمع البيان في تفسير القرآن الكريم. بيروت، دار المعرفه.
- طوسي، ابو جعفر محمد بن حسن (١٣٨٧ ق). المبسوط في فقه الإماميه. ج ٣، چ ٣، تهران، المكتبه المترضويه لإحياء الآثار الجعفريه.
- قائمی، محمد حسين، قیطاسوند، محمود، توجکي، محمود (١٣٨٢). تأثیر هموارسازی سود بر بازده سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی های حسابداری و حسابرسی، ١٠ (٣٣).
- گرچی پور، علی، معصومی نیا، غلامعلی، یعقوب نژاد، احمد، اسماعیل زاده، علی (١٤٠١). ارزیابی حاکمیت شرکتی بر اساس مبانی فقهی از منظر ساختار مالکیت در شرکت های سهامی عام. معرفت اقتصاد اسلامي، ١٣ (٢٦).
- مامقانی، ملا عبدالله بن محمد حسن (١٣٥٠ ق). حاشیه علی رساله لاضرر. قم، مجمع الذخائر الإسلاميه.
- مصطفوی، محمد کاظم (١٤١٠ ق). مائه قاعده فقهيه معنی و مدرکاً و مورداً. قم، مؤسسه النشر الاسلامي التابعه لجامعه المدرسين بقم المشرفه.
- النسایي، احمد بن علي (بي تا). سنن نسایی. ج ٧، [بی جا]، دارالکتب العلميه.
- نوروش، ایرج، ذاکری، حامد (١٣٩٠). بررسی هموارسازی سود از طریق فروش دارایی های شرکت. پژوهش های حسابداری مالی، ٢ (٣).
- النوری طبرسی، میرزا حسین (١٤١١ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. ج ٣، قم، مؤسسه آل البيت.
- نوری، میرزا حسین (١٤٠٨ ق). مستدرک الوسائل. ج ٣، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- واعظ، سید علی، بنایی قدیم، رحیم (١٤٠٠). کیفیت سود: چالش بزرگ حسابداری. مطالعات حسابداری و حسابرسی، ١٠ (٣٨).

Albrecht, W. David, Richardson, Fredrick M. (1990). Income Smoothing by Economy Sector. *Journal of Business Finance & Accounting*, 17(5), pp.713-730.

Ashari, N., Koh, H.C., Tan, S. L., Wong, W. H. (1994). Factors Affecting Income Smoothing Among listed Companies In Singapore. *Accounting and Business Research*, No.96, Autumn, pp.291-301.

- Bao, B. and D. Bao. (2004). Income smoothing earnings quality and firm valuation. *business Finance and Accounting*, No.31, pp.9-10.
- Barnea, A., J. Ronen, S. Sadan, (1976). Classificatory smoothing of income with extraordinary items. *The Accounting Review*, No.23, pp.110-122.
- Beidleman, C. R. (1973). Income Smoothing: The Role of Management. *The Accounting Review*, No.48, pp.653-667.
- Copeland, R. M., (1968). Income smoothing. *Journal of Accounting Research, Supplement*, No.6, pp.434-449.
- Dascher, Pe, Malcom, Re.)1970(. Note On Income Smoothing In Chemicca Industry. *Journal of Accounting Research, Wiley Blackwell*, vol.8(2), pp.253-259.
- Eckel, N. (1981). The income smoothing Hypothesis Revisited. *Abacus*, Vol.17, pp.28-43.
- Goel, A.M., Thakor, A.V. (2003). Why do Firms Smooth Earnings?. *Journal of Business Research*, 76(1), pp.151-192.
- Gordon, M. J. (1964). Postulates, principles and research in accounting. *The Accounting Review*, No.39, pp.80-100.
- Hepworth, S. R. (1953). Smooth Period Income. *The Accounting Review*, No.12, pp.32-39.
- Imhoff, E. A (1977). Income smoothing a case for doubt. *The Accounting*, No.1, pp.85-100.
- Leopold, B. A. (1989). *Financial Statement Analysis: Theory, Application, and Interpretation*. 4th ed, Homewood, Illinois: Richard D. IRIWN, INC.
- McNichols, M, F. (2002). Discussion of the Quality of Accruals and Earnings: The Role of Accrual Estimation Errors. *The Accounting Review*, 77(1), pp.61-69.
- Tucker J. and Zarowin P. (2006). Does Income Smoothing Improve Earnings Informativeness. *The Accounting Review*, Vol.81, No.1, pp.270-251 .
- Wild, J., Bernstein L. and Subramaniam K. (2001). *Financial Statement Analysis*. 7th, M.C. Gram Hill.